



A Perspective on the Formation of Partisanship and Organization in the Political Theology of Ayatollah Javadi Amoli; Based on Skinner's Method

Ali Aghajani: Faculty of Political Science, Research Institute of the Seminary and University, Qom, Iran.

aqajani@rihu.ac.ir | 0000-0002-0328-2993

Abstract:

The article examines the relationship between Islam and party affiliation in the political theology of Ayatollah Javadi Amoli; focusing on the question of whether party affiliation is acceptable within the Islamic framework and how it can be reconciled with the principles of the Quran, ethics, and the system of guardianship of the jurist. The main goal is to extract Javadi Amoli's theoretical foundations on party affiliation and analyze its feasibility in the Islamic system. (Objective) The present study, using the method of conceptual analysis, (Method) and based on Skinner's hermeneutics, has analyzed Javadi Amoli's written works and speeches in the field of politics, ethics, and social jurisprudence. Javadi Amoli does not view party affiliation as something inherently desirable or reprehensible, but rather as a tool conditional on observing moral principles, unity of the nation, and obedience to divine guardianship. From his perspective, a party is legitimate if it serves justice, religious rationality, and the interests of the Islamic nation. Partisanship should not lead to division, prejudice, or confrontation with the religious political system. He emphasizes the necessity of party education based on Quranic teachings and practical reason. (Findings) In Javadi Amoli's thought, party affiliation, if accompanied by Islamic and moral standards, can help strengthen political participation, collective rationality, and the realization of social justice. This view provides a basis for rethinking the relationship between religion and modern political institutions within the framework of Islamic discourse. (Conclusion).

Keyword: Javadi Amoli, Political discourse, Partisanship, Political participation, Skinner's hermeneutic method, Organocation.

نگرشی بر صورت‌بندی حزب و شکل در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی؛ مبثنی بر روش اسکینر

علی آقاجانی: هیئت علمی گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

چکیده

مقاله به بررسی نسبت اسلام با حزب در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی می‌پردازد؛ با تمرکز بر این پرسش که آیا حزب در چارچوب اسلامی قابل‌پذیرش است و چگونه می‌توان آن را با اصول قرآنی، اخلاقی و نظام ولایت‌فقیه هم‌ساز کرد. هدف اصلی، استخراج مبانی نظری جوادی‌آملی در باب حزب و تحلیل امکان‌سنجی آن در نظام اسلامی است. (هدف) پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی، (روش) و بر اساس هرمنوتیک اسکینر به واکاوی آثار مکتوب و سخنان جوادی‌آملی در حوزه سیاست، اخلاق و فقه اجتماعی پرداخته است. جوادی‌آملی حزب را نه به‌مثابه امری ذاتاً مطلوب یا مذموم، بلکه به‌عنوان ابزاری مشروط به رعایت اصول اخلاقی، وحدت امت و تبعیت از ولایت الهی تلقی می‌کند. از منظر وی، حزب در صورتی مشروعیت دارد که در خدمت عدالت، عقلانیت دینی و مصالح امت اسلامی باشد. حزب نباید به تفرقه، تعصب یا تقابل با نظام سیاسی دینی بینجامد. وی بر ضرورت تربیت حزبی بر اساس آموزه‌های قرآنی و عقل عملی تأکید دارد. (یافته‌ها) حزب در اندیشه جوادی‌آملی، اگر با معیارهای اسلامی و اخلاقی همراه باشد، می‌تواند به تقویت مشارکت سیاسی، عقلانیت جمعی و تحقق عدالت اجتماعی کمک کند. این نگاه، زمینه‌ای برای بازاندیشی در نسبت میان دین و نهادهای مدرن سیاسی در چارچوب گفتمان اسلامی فراهم می‌آورد. (نتیجه) واژگان کلیدی: جوادی‌آملی، کلام سیاسی، حزب، مشارکت سیاسی، روش هرمنوتیک اسکینر، شکل.

مقدمه

در عصر حاضر، جوامع اسلامی با مسائل نوپدید در حوزه سیاست، هویت و نهادسازی مواجه‌اند. یکی از مهم‌ترین این مسائل، نسبت میان دین و سیاست در قالب‌هایی چون حزب، مشارکت سیاسی و نهادهای اجتماعی است. در این میان، کلام سیاسی اسلامی به مثابه شاخه‌ای از الهیات اجتماعی، نقش مهمی در تبیین مبانی مشروعیت، عقلانیت و اخلاق سیاسی ایفا می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی، از برجسته‌ترین متفکران معاصر در حوزه فلسفه، تفسیر و کلام اسلامی، در آثار خود بیشتر ضمنی و مقداری تصریحی به بازخوانی مفاهیم بنیادینی چون «حزب»، «مشارکت سیاسی» و «نهادهای اجتماعی» پرداخته است؛ مفاهیمی که در بستر جمهوری اسلامی ایران، نه تنها جنبه نظری، بلکه کارکردی و نهادی نیز یافته‌اند.

اهمیت این پژوهش در آن است که از یک سو به غنای نظری کلام سیاسی اسلامی در مواجهه با مفاهیم مدرن می‌افزاید و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای بازاندیشی در نهادسازی دینی و مشارکت مؤمنانه در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد. همچنین، این تحلیل می‌تواند به فهم بهتر نسبت میان عقل، نقل و سیاست در اندیشه اسلامی کمک کند و الگویی برای بازخوانی مفاهیم سیاسی در سنت اسلامی با رویکردی هرمنوتیکی ارائه دهد.

باتوجه به پیچیدگی مفاهیم مورد بحث، این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری هرمنوتیک کوئنتین اسکینر، می‌کوشد مفاهیم حزب و مشارکت سیاسی را در کلام جوادی آملی نه به مثابه مفاهیم انتزاعی، بلکه به عنوان پاسخ‌هایی به مسائل خاص اجتماعی و سیاسی در ایران معاصر تحلیل کند. اسکینر، در سنت کمبریج، بر آن است که فهم متون سیاسی مستلزم بازسازی «زمینه ذهنی» و «قصد مؤلف» در بستر تاریخی است (Skinner, 1969). از این رو، تحلیل حاضر بر آن است تا با بازسازی زمینه‌های ذهنی و تاریخی آثار جوادی آملی، به فهمی دقیق‌تر از نسبت اسلام، حزب و مشارکت سیاسی در اندیشه وی دست یابد.

شخصیت جوادی آملی و کلام سیاسی متخذ از او از چند جهت حائز اهمیت است. جامعیت نسبی در دین‌شناسی، آثار متنوع و متکثر و در اضلاع مختلف کلامی سیاسی، ورود در سیاست عملی و نظری در قواره عالم دینی و حوزوی، زنده بودن و گذراندن

دوران حیات پربار خود، فقیه متضلع و دارای فقه اکبر که بخش مهمی از آن مباحث کلامی سیاسی است. وی دارای آثار متعدد در زمینه‌های گوناگون است و از جمله در مسائل مختلف کلام سیاسی آثار کمی و کیفی بسیار خوبی دارد. از این رو پرداختن به دیدگاه او درباره رابطه اسلام و حزب اهمیت فزون‌تری می‌یابد.

سؤال اصلی آن است که در کلام سیاسی جوادی آملی رابطه اسلام و حزب چگونه تحلیل می‌شود و واجد چه ویژگی‌هایی است. بر این اساس تحقیق بر پایه روش هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر با دخل و تصرفاتی به واکاوی رابطه اسلام و حزب و تشکل و نهادهای اجتماعی در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد و فرضیه ذیل را ارائه می‌دهد: کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی، باتکیه بر عقلانیت دینی، اجتهاد اجتماعی و سنت‌سازی، نگاهی نو به حزب و نهادهای اجتماعی دارد؛ در این منظومه، حزب و نهاد اجتماعی نه ابزار قدرت، بلکه تجلی عقل و نقل در عرصه عمومی‌اند. جوادی آملی حزب را نه طرد می‌کند و نه بی‌قید می‌پذیرد، بلکه آن را مشروط به تحقق اهداف الهی، تربیتی و عقلانی می‌داند. تشکل مطلوب از منظر وی، نهادی است که در خدمت ملت-امت‌سازی، ولایت الهی و اخلاق سیاسی باشد، بازتعریف حزب به مثابه نهاد مؤمنانه در خدمت حق و عدالت، نقد حزب سکولار و تأکید بر پیوند حزب با ولایت الهی، تأکید بر نیت، اخلاص و هدایت الهی در مشارکت سیاسی و دعوت به نهادهای دینی بر پایه سنت‌های صالحه؛ عناصر اصلی نگرش وی است.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر نخستین مطالعه‌ای است که به‌طور مستقیم به بررسی رابطه اسلام و حزب و تشکل در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. تاکنون اثری با این عنوان و رویکرد خاص منتشر نشده است. با این حال، اندیشه سیاسی جوادی آملی به‌صورت کلی در برخی آثار و پایان‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ همچنین در مطالعات مرتبط با اندیشه سیاسی حوزه‌های علمیه و تحولات پس از انقلاب اسلامی، به‌صورت ضمنی به ابعاد کلامی سیاسی اندیشه ایشان اشاره شده است. از جمله آثار قابل ذکر در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۱. پیشینه تحقیق و مشخصات آثار مرتبط

عنوان اثر	نویسنده	سال انتشار	محور اصلی
سیری در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی	منصورنژاد	۱۳۹۰	بررسی کلی اندیشه سیاسی
بررسی مباحث کلام اجتماعی آیت‌الله جوادی‌آملی	امیری	۱۳۹۱	کلام اجتماعی
اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی	مجتبی زاده	۱۳۸۹	مبانی نظری سیاست اسلامی
اقتضائات حضور عقل برهانی در معرفت سیاسی	علویان و زارع‌پور	۱۳۹۷	عقلانیت در سیاست دینی
همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه	عباس تبار و زارع‌پور نقیبی	۱۳۹۸	تحلیل هرمنوتیکی اندیشه سیاسی
تحلیل انتقادی نظریه آزادی با تأکید بر آراء جوادی‌آملی	نادری	۱۴۰۰	آزادی و اخلاق سیاسی

در حوزه حزب اسلامی، مطالعاتی با رویکردهای فقهی، فلسفی، جامعه‌شناختی و سیاسی صورت گرفته‌اند که به تبیین مشروعیت، کارکرد و اخلاق سیاسی احزاب در سنت اسلامی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه: اخوان کاظمی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که حزب در سنت اسلامی نه مطرود مطلق است و نه مقبول بی‌قید، بلکه مشروعیت آن وابسته به رعایت اصول اخلاقی و مصالح امت اسلامی است. مقاله «پیشینه و مبانی حزب در ایران و اسلام» (نویسنده نامشخص، بدون تاریخ) با تحلیل تاریخی و مفهومی، امکان تطبیق حزب با اصول اسلامی را بررسی کرده است. یوسفی و دیگران (۱۴۰۳) با رویکرد جامعه‌شناختی، نقش دین را به‌عنوان سرمایه معنوی در عملکرد احزاب اسلامی بررسی کرده‌اند و بر ضرورت بازگشت به دین تربیتی تأکید دارند.

فیرحی (۱۳۹۶) در کتاب «فقه و حکمرانی حزبی»، حزب را نهادی قابل تطبیق با شریعت معرفی کرده و رابطه آن با ولایت فقیه را بازخوانی نموده است. سجادی (۱۳۸۲) با بررسی مبانی قرآنی و عقلانی، حزب را مشروط به عدالت و هدایت الهی دانسته است. لکزایی (۱۳۹۳) با تأکید بر «سیاست متعالیه»، مشروعیت حزب را در گرو تعالی

انسان و تحقق مدینه فاضله می‌داند.

مجتبی‌زاده (۱۳۹۹) در دانشگاه باقرالعلوم، با نقد حزب سکولار، خواهان بازتعریف حزب در چارچوب انسان‌شناسی متعالی و نظام امامت شده است. در کنار این آثار، منابع اصلی آیت‌الله جوادی‌آملی نیز حاوی تحلیل‌های مهمی درباره حزب و نهادهای اجتماعی هستند اما ورود کامل صریحی درباره حزب ندارد. از جمله: در جلد‌های مختلف تفسیر تسنیم، ایشان مفاهیمی چون «امت وسط»، «شورا» و «نفاق» را در چارچوب ساختارهای اجتماعی و سیاسی اسلامی تحلیل کرده‌اند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۲، ج ۲؛ ۱۳۸۶، ج ۷؛ ۱۳۹۰، ج ۱۵).

در کتاب مفاتیح‌الحیات، نقش نهادهای اجتماعی در تحقق حیات طیب و ضرورت عقلانیت و حیانی در تشکلیابی سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱). در اثر «ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت»، ایشان رابطه تشکلیها و گروه‌ها با نظام ولایی و نظارت مردمی را تبیین کرده‌اند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹).

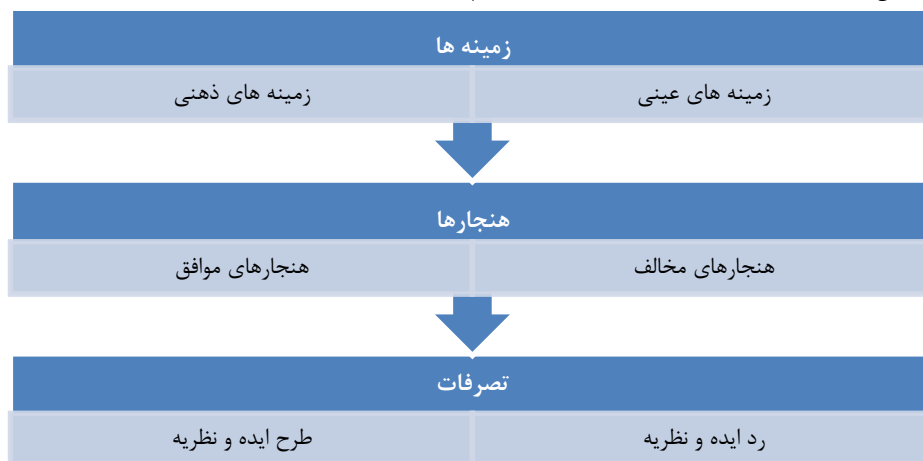
۲. روش؛ هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر:

روش هرمنوتیکی اسکینر که در سنت کمبریج توسعه‌یافته، رویکردی میان‌گرایانه میان متن‌محوری و زمینه‌محوری است و در زمره روش‌های مؤلف‌محور قرار می‌گیرد. این روش بر آن است که فهم دقیق از متون سیاسی، مستلزم بازسازی نیت مؤلف در بستر تاریخی، اجتماعی و گفتمانی خاص است. اسکینر با تأکید بر پیوند میان زبان، نیت و کنش، متن را نه یک ابژه خودمختار، بلکه تجلی کنش ارتباطی مؤلف در مواجهه با مسائل زمانه می‌داند (Skinner, 1969).

در این چارچوب، تحلیل اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی، به‌ویژه در باب حزب و نهادهای اجتماعی، مستلزم بازسازی منظومه ذهنی و زمینه‌های عینی مؤلف و نیز بررسی نحوه تصرف وی در گفتمان‌های رایج است. پژوهش حاضر با الهام از این روش، به‌ویژه از مرحله نخست آن یعنی «زمینه‌های ذهنی»، بهره می‌گیرد و آن را به‌عنوان چارچوب نظری تحلیل برمی‌گزیند. اسکینر برای فهم متون سیاسی، چهار مؤلفه تحلیلی را پیشنهاد می‌کند که در تعامل با یکدیگر، امکان بازسازی نیت مؤلف و کنش

زبانی او را فراهم می‌سازند:

مراحل روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر در پژوهش



منبع: (یافته‌های پژوهش)

زمینه‌های عینی: زمینه‌های عینی به شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی زمانه مؤلف اشاره دارد. در مورد جوادی‌آملی، این زمینه‌ها عبارت‌اند از: تجربه انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی جنگ تحمیلی و ضرورت نهادسازی دینی چالش‌های مردم‌سالاری دینی و تحزب در دهه‌های پس از انقلاب ظهور احزاب سکولار و رقابت‌های سیاسی غیرمبتنی بر اخلاق دینی این شرایط، بستر کنش زبانی جوادی‌آملی را شکل می‌دهند و انگیزه مداخله او در گفتمان سیاسی زمانه را فراهم می‌سازند.

زمینه‌های ذهنی: زمینه‌های ذهنی به منظومه معرفتی، باورها، دغدغه‌ها و پیش‌فرض‌های فکری مؤلف اشاره دارد. در مورد جوادی‌آملی، این زمینه‌ها شامل موارد زیر است: باور به جامعیت اسلام در تنظیم مناسبات اجتماعی و سیاسی تأکید بر عقلانیت دینی، اجتهاد اجتماعی و سنت‌سازی دغدغه حفظ هویت اسلامی در مواجهه با مدرنیته و سکولاریسم اعتقاد به ولایت الهی و نقش هدایت در سیاست این مؤلفه‌ها تعیین می‌کنند که مؤلف چگونه مفاهیمی چون «تحزب» و «مشارکت سیاسی» را معنا می‌کند و در چه جهتی آن‌ها را بازتعریف می‌نماید.

هنجارهای مرسوم: هنجارهای مرسوم، مجموعه‌ای از باورها، قواعد و انتظارات رایج در گفتمان زمانه‌اند که مؤلف با آن‌ها مواجه است و می‌تواند هنجارهای موافق یا مخالف دیدگاه اندیشمند باشد. در مورد جوادی آملی، این هنجارها شامل موارد زیرند: حزب به‌مثابه ابزار رقابت قدرت در نظام‌های لیبرال مشارکت سیاسی به‌مثابه حق فردی بدون پیوند با هدایت الهی نهادهای اجتماعی سکولار با کارکردهای صرفاً مدنی جوادی آملی در برابر این هنجارها، موضعی انتقادی اتخاذ می‌کند و در پی بازتعریف آن‌ها بر اساس عقلانیت دینی است.

تصرفات اندیشمند: تصرفات، به کنش‌های زبانی مؤلف در مواجهه با هنجارهای مرسوم اشاره دارد. این تصرفات می‌توانند اثباتی (بازسازی مفاهیم) یا انکاری (نقد مفاهیم رایج) باشند. در آثار جوادی آملی، نمونه‌هایی از تصرفات عبارت‌اند از: بازتعریف «حزب» به‌عنوان نهاد مؤمنانه در خدمت حق و عدالت نقد حزب سکولار و تأکید بر پیوند حزب با ولایت الهی بازسازی مشارکت سیاسی به‌مثابه کنش مؤمنانه در چارچوب عقل و شرع و... این تصرفات نشان می‌دهند که جوادی آملی نه‌تنها شارح سنت اسلامی، بلکه کنشگر فعال در بازآفرینی گفتمان سیاسی معاصر است.

زمینه‌های عینی و ذهنی نسبت «اسلام و حزب» در کلام سیاسی جوادی آملی

الف. زمینه‌های عینی

در چارچوب نظری هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر، زمینه‌های عینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در فهم نیت مؤلف، نقش تعیین‌کننده‌ای در تکوین اندیشه سیاسی دارند. این زمینه‌ها شامل تحولات اجتماعی-سیاسی، تجربه‌های زیسته و بستر تاریخی‌ای هستند که اندیشمند در آن می‌اندیشد و سخن می‌گوید.

در خوانش هرمنوتیکی کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی بر پایه نظریه کوئنتین اسکینر، «زمینه‌های عینی»^۱ نه صرفاً پیش‌زمینه زندگی‌نامه‌ای، بلکه نیروهای مولد معنا و محدودیت‌های ممکن برای گفتن یک گزاره سیاسی‌اند؛ یعنی آنچه جوادی آملی درباره حزب می‌گوید، تنها از متون دینی استخراج نشده، بلکه در دل تجربه‌های زیسته او

1. Contextual circumstances.

شکل گرفته و معنا یافته است. این زمینه‌ها دقیقاً همان چیزی هستند که دیدگاه او را از «حزب لیبرال غربی» و «بی‌تحزبی سستی حوزوی» جدا می‌کند و به‌سوی الگوی سوم یعنی «حزب اسلامی زیر چتر ولایت‌فقیه و نظام اسلامی» سوق می‌دهد. در مورد آیت‌الله جوادی‌آملی، زمینه‌های عینی مرتبط با حزب و تشکل را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. محیط‌های علمی و تربیتی؛ خانواده و آمل: نخستین مواجهه با «حزب سکولار» جوادی‌آملی در سال ۱۳۱۲ ش در آمل، در پی نذر والدین برای امام رضا (ع) دیده به جهان گشود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱). پدربزرگشان ملا فتح‌الله آملی کتاب گوهر مراد لاهیجی را وقف کرد و تولیت آن را به پدر ایشان سپرد (همان: ۲۰)؛ و دایی پدرشان میرزا احمد درکایی (م ۱۳۴۷ ق) از شاگردان برجسته آخوند خراسانی بود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳). این فضای خانوادگی، عشق به کلام شیعی و همبستگی و وحدت دینی و مذهبی بر اساس میراث مشترک را در وی برانگیخت؛ پلایه‌ای که بعدها هرگونه حزب تفرقه‌انگیز را مردود ساخت.

آمل به‌عنوان زادگاه، شهری عالم‌پرور و تاریخی بود (نصری اشرفی، ۱۳۹۹، ص. ۴۰؛ یزدان‌پناه لموکی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۰). ایشان در کودکی فعالیت حزب توده را در آمل دیدند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۲) و هم‌زمان در حوزه علمیه آمل (مدرسه مسجد جامع و سپس امام حسن عسکری تا شهریور ۱۳۲۹) جلسات خصوصی تفسیر، حدیث و حفظ قرآن نزد آیت‌الله آقاضیاء آملی (۱۲۸۳-۱۳۶۱ ش) را تجربه کردند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸). این دوگانگی، زمینه حک شدن الگویی روشن از «تشکل دینی مشروع در خدمت امت» در برابر «حزب ایدئولوژیک سکولار» در ذهن ایشان را داشت.

۲. تهران (مدرسه مروی): تجربه تکثر فکری و درک محدودیت‌های حزب بدون

محوریت فقهی

در تهران زیر نظر اساتید متنوع (میرزا محمدتقی آملی، شعرانی، الهی قمشه‌ای، فاضل تونی) با مشرب‌های گوناگون آشنا شدند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، صص. ۵۶-۶۰)، اما همه در چارچوب وحدت حوزه و بدون هیچ جناح یا حزب سیاسی. الزام روزانه به تلاوت قرآن در مدرسه مروی نیز گرایش عمیق به تفسیر را تقویت کرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷،

صص. ۵۴-۵۷). این تجربه زمینه‌ای برای تفتن به این بود که تکرر تنها در سایه وحدت مرجعیت مشروع است؛ الگویی که بعدها در نقد جناح‌بازی سیاسی به کار بست.

۳. قم: تکامل نهایی

قم نقطه کمال بود: شاگردی خصوصی علامه طباطبایی در تفسیر و فلسفه (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۷) و آشنایی با امام خمینی که جامعیت اجتماعی و سیاسی را برانگیخت (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸، ص. ۴۳) و حلقه فقهی آیت‌الله محقق داماد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۷). در این زمینه، علامه الگوی پژوهش فراجناحی و امام الگوی رهبری مبتنی بر ولایت (نه حزب) را به ایشان آموختند.

۴. اساتید: مربیان مستقل از هر حزب و جناح:

تمام اساتید برجسته ایشان (علامه طباطبایی، محمدتقی آملی، الهی قمشه‌ای، شعرانی، فاضل تونی، امام خمینی، محقق داماد، میرزا هاشم آملی) هیچ‌گاه وابسته به حزب سیاسی نبودند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۱۲۷ و ۱۵۳؛ ۱۳۷۶، ج ۱-۳: ۳۸۳؛ ۱۳۶۴: ۵-۶). این الگو، زمینه‌ای برای مبنای اصلی دیدگاه فراجزبی ایشان شد که مرجعیت و ولایت باید فراتر از احزاب باشد.

۵. کنش سیاسی در طول نیم‌قرن: آزمایش عملی نظریه

جوادی‌آملی نه تنها در مقام نظریه‌پرداز، بلکه به‌عنوان کنشگر سیاسی-اجتماعی، در تحولات پس از انقلاب نقش‌آفرینی کرده است. عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی، تدوین لایحه قصاص، ریاست دادگاه‌های انقلاب و ابلاغ پیام امام خمینی به گورباچف، از جمله مسئولیت‌هایی هستند که نشان‌دهنده پیوند اندیشه و عمل در منظومه فکری ایشان اند (جوادی‌آملی، مهر استاد، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۴۸). در دهه‌های بعد، حمایت از چهره‌های سیاسی، موضع‌گیری درباره مسائل ملی و بین‌المللی، همگی نشان‌دهنده حضور فعال ایشان در عرصه عمومی و تأثیر زمینه‌های عینی بر شکل‌گیری دیدگاه‌های ایشان درباره حزب و تشکل‌اند (رجانیوز، ۱۳۸۸؛ ایرنا، ۱۳۷۸؛ خبرآنلاین، ۱۳۸۸).

۵-۱. تجربه انقلاب اسلامی و ضرورت نهادسازی دینی

انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر، زمینه‌ای عینی برای

بازاندیشی در مفهوم حزب و تشکل فراهم کرد. جوادی‌آملی، با حضور فعال در فضای پس از انقلاب، حزب را نه صرفاً ابزار رقابت سیاسی، بلکه سازوکاری برای تحقق عدالت، هدایت الهی و مشارکت مؤمنانه می‌داند. در این منظومه، حزب باید در خدمت اهداف الهی باشد و از منطق قدرت‌طلبی فاصله بگیرد (آقاجانی، ۱۴۰۳).

۲-۵. مسئله مردم‌سالاری دینی و حزب سکولار

در دهه‌های پس از انقلاب، ظهور احزاب سکولار و رقابت‌های سیاسی مبتنی بر منافع جناحی، زمینه‌ای عینی برای نقد حزب غیر الهی در آثار جوادی‌آملی فراهم کرد. وی با تأکید بر عقلانیت دینی و اخلاق قرآنی، حزب را تنها در صورتی مشروع می‌داند که در خدمت حق و عدالت باشد و با ولایت الهی پیوند داشته باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰). در این چارچوب، جوادی‌آملی حزب سکولار را نقد می‌کند و خواهان بازتعریف حزب به عنوان نهاد مؤمنانه در خدمت هدایت الهی و مصالح امت است.

۳-۵. نهادهای اجتماعی مؤمنانه و سنت‌سازی دینی

جوادی‌آملی در پاسخ به بحران‌های معرفتی و اخلاقی ناشی از تفکر سکولار، بر ضرورت نهادسازی دینی تأکید دارد. نهادهایی چون راهپیمایی روز قدس، دهه فجر و اربعین، در نگاه وی، نمونه‌هایی از تشکل‌های مؤمنانه‌اند که از سنت‌های صالحه تغذیه می‌کنند و خود به سنت‌سازی می‌پردازند. «نهاد اجتماعی اگر از سنت صالحه تغذیه کند، خود به سنت‌سازی می‌پردازد و مشارکت را تعالی می‌بخشد» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، ص ۵۴). این نگاه، حزب را در پیوند با نهادهای اجتماعی دینی معنا می‌کند و آن را به مثابه کنش ایمانی و عقلانی در عرصه عمومی بازتعریف می‌نماید.

جدول ۲. تأثیر زمینه‌های عینی بر دیدگاه حزب آیت‌الله جوادی‌آملی

زمینه عینی	تجربه کلیدی	تأثیر بر دیدگاه حزب و نهادهای اجتماعی
خانواده	فضای کلامی شیعی و پیوند با مراجع	حساسیت به وحدت امت و پرهیز از فرقه‌گرایی حزبی + لزوم تشکل اسلامی
آمل	حزب توده + جلسات خصوصی آفاضیاء آملی	تمایز تشکل دینی مشروع از حزب ایدئولوژیک سکولار
تهران (مدرسه)	تکثر اساتید بدون جناح	تکثر در سایه وحدت مرجعیت

مروی)	سیاسی	
قم	علامه طباطبایی + امام خمینی	ولایت فقیه محور وحدت؛ احزاب ابزار، نه رقیب
اساتید	استقلال کامل از احزاب	مرجعیت باید فراجزبی باشد
تجربه سیاسی ۵ دهه	مبارزه و مسئولیت بدون عضویت حزبی	حزب تنها تابع ولایت و در خدمت امت + نهادهای اجتماعی مؤمنانه و سنت‌سازی دینی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

زمینه‌های عینی زندگی جوادی آملی دقیقاً همان چیزی است که او را قادر ساخت تا گزاره‌ای بگوید که در حوزه سنتی پیش از او کمتر کسی می‌گفت: «اسلام با حزب مخالف نیست، اما با حزب ذیل نظام اسلامی موافق است». او نه حزب لیبرال را پذیرفت (چون در آمل دید که به الحاد می‌انجامد) و نه بی‌حزبی مطلق را (چون در انقلاب دید که بدون تشکیلات نمی‌توان نظام را حفظ کرد)؛ بنابراین، الگوی سوم او یعنی «نهادهای اجتماعی اسلامی مرجعیت‌محور» دقیقاً محصول همین زمینه‌های عینی است که در غیراین صورت، این گزاره برای یک عالم سنتی صرف، «غیرقابل گفتن» بود. این زمینه‌ها نه فقط زندگی‌نامه‌لند، بلکه محدودیت‌ها و امکان‌های گفتاری جوادی آملی در باب حزب را توضیح می‌دهند و نشان می‌دهند.

ب. زمینه‌های ذهنی:

کلام سیاسی جوادی آملی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر اسلامی، از پیش‌داشت‌های معرفتی عمیقی تغذیه می‌شود که حزب و تشکلهای سیاسی را در چارچوبی عقلانی، شرعی و قرآنی بازتعریف می‌کند. این زمینه‌های ذهنی که بر سه پایه حکمت متعالیه، تفقه جامع و منهج تفسیری قرآنی استوارند، حزب را از یک ابزار صرف رقابت سیاسی به کنشی مؤمنانه، اخلاقی و در خدمت عدالت و هدایت الهی ارتقا می‌دهند و هریک به نحوی مبنای نظریه او درباره «اسلام و حزب» و «نهادهای اجتماعی در منظومه ولایی» را تشکیل می‌دهند.

۱. جریان‌های دانشی موافق و تأثیر آن بر فهم حزب و نهادهای اسلامی

الف. حکمت متعالیه و تشکیک در ولایت سیاسی:

جوادی آملی، به عنوان فیلسوفی متأثر از حکمت صدرایی، مفاهیم سیاسی از جمله تحزب را در پرتو مبانی فلسفی چون «تشکیک وجود»، «خلافت نوعیه انسان» و «سراج و کاشف بودن عقل» بازخوانی می‌کند. در نگرش وی، عقل به مثابه ابزاری برای کشف حقیقت و هدایت اجتماعی، نقشی محوری در شکل‌گیری تشکلهای سیاسی دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۱۳). خلافت انسان که ریشه در کرامت ذاتی او دارد، مبنای مشارکت سیاسی عقلانی و مسئولانه قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، صص. ۳۹-۴۰). از منظر وی، مشروعیت سیاسی تشکلهای و احزاب از ولایت شرع و عقلانیت متعالی سرچشمه می‌گیرد، نه از رقبتهای صرفاً عرفی یا قدرت طلبانه (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص. ۳۸۷).

در این چارچوب، تحزب در اندیشه جوادی آملی نه یک ابزار برای کسب قدرت، بلکه تجلی عقلانیت الهی در عرصه عمومی است که باید در خدمت تحقق عدالت و هدایت جامعه باشد. این نگاه، احزاب را به عنوان نهادهایی می‌بیند که باید با عقل و شرع همسو بوده و از هرگونه انحراف به سمت اومانیسم یا لیبرالیسم که وی آنها را به ترتیب «حیوانیت‌مداری» و «سرابی پوچ» می‌خواند، پرهیز کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۱۰۸؛ ۱۳۸۴، ص. ۱۵۴).

ب. تفقه جامع و نیابت فقیه در سیاست‌گذاری اجتماعی:

تفقه در نگرش جوادی آملی به معنای دین‌شناسی کل‌نگرانه است که فراتر از فقه مصطلح جزئی‌نگر، به اصول حاکم بر سیاست و جامعه می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۲۵۱). وی رویکردی به فقه سنتی غیرمتصلب دارد که با حکمت و فلسفه سازگار است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۱۶۲). در این چارچوب، تحزب و تشکلهای سیاسی باید در راستای احکام شرعی و مصالح امت شکل گیرند و از سنت‌های صالحه و اجتهاد اجتماعی تغذیه شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، صص. ۴۹۹-۵۰۰).

از نظر جوادی آملی، ولایت فقیه به عنوان محور مشروعیت سیاسی، قلمرویی دارد که احزاب و تشکلهای باید در این چارچوب عمل کنند. تحزب مؤمنانه در این دیدگاه، نتیجه اجتهاد اجتماعی و التزام به اخلاق دینی است و نباید به سازوکارهای صرفاً حقوقی یا عرفی تقلیل یابد. این نگاه، تشکلهای سیاسی را به عنوان ابزارهایی برای

تحقق اهداف الهی و خدمت به امت می‌بیند، نه صرفاً رقابت‌های سیاسی.

ج. تفسیر قرآن به قرآن و شورا به مثابه نهاد ولایی:

جوادی آملی قرآن را نه تنها منبع، بلکه «منهج» اصلی تحلیل سیاسی می‌داند که حجیت فعلی آن بر کلام معصوم مقدم است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص. ۶۱-۶۴). در این رویکرد، حزب مطلوب باید با اخلاق قرآنی، اخلاص و هدایت الهی پیوند داشته باشد. تفسیر قرآن به قرآن، به عنوان روش تفسیری وی، زمینه‌ای برای تبیین مفاهیمی چون عدالت، کرامت انسان و خلافت اجتماعی فراهم می‌کند که مستقیماً بر تعریف حزب اثر می‌گذارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۶۱).

در این چارچوب، احزاب و تشکلهای سیاسی باید به گونه‌ای عمل کنند که مشارکت سیاسی را به سستی صالحه تبدیل کرده و آن را در مسیر تعالی و عدالت اجتماعی قرار دهند. جوادی آملی با نقد جریان‌های رقیب نظیر پلورالیسم معرفتی و هرمنوتیک که مرگ مؤلف یا تحمیل پیش‌فرض‌های ذهنی بر متن دینی را ترویج می‌کنند، بر لزوم التزام به هدایت قرآنی در فعالیت‌های سیاسی تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص. ۲۲۷-۲۲۸؛ ۱۳۸۶، ج ۴، ص. ۱۹۷). وی نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت را به دلیل ترویج دین حداقلی که ناتوان از تمدن‌سازی است، نقد کرده و حزب را به عنوان کنشی می‌بیند که باید از این گونه انحرافات مصون بماند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص. ۸۹).

۲. جریان‌های دانشی رقیب و نقد حزب سکولار و پلورالیستی:

جوادی آملی با جریان‌های رقیب برخوردی انتقادی دارد تا مدل اسلامی حزب را از مدل‌های غربی و الحادی متمایز سازد: سکولاریسم و لیبرالیسم: جدایی دین از سیاست (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص. ۱۸ و ۳۳) و آزادی بی‌قید حزب‌سازی را رد می‌کند؛ حزب سکولار را «سراب پوچ» می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۴). پلورالیسم معرفتی مردود است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۵)؛ اما پلورالیسم سیاسی و اجتماعی در چارچوب وحدت اسلامی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص. ۲۱۲)؛ یعنی احزاب متعدد مجازند مشروط بر اینکه به پلورالیسم معرفتی (تکثر حق) نینجامد.

۳. مبانی دینی و نسبت آن با نهادهای اجتماعی

هستی‌شناسی ربوبی بدین معناست که هر نهاد و حزبی باید مجرای فیض الهی باشد. معرفت‌شناسی مطابقت با نفس‌الامر بدین معناست که احزاب نمی‌توانند با تفسیر دلخواه از دین، نهادسازی کنند. انسان‌شناسی «حی متأله» بدین معناست که انسان فطرت توحیدی دارد؛ بنابراین تحزب باید فطرت توحیدی را تقویت کند نه تضعیف (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴ ب، ص. ۱۶۴).

جدول ۳. اصول پنج‌گانه اعتقادی و امتداد آن در تحزب و نهادهای اجتماعی

اصل اعتقادی	امتداد در تحزب و نهادهای اجتماعی	ارجاع کلیدی
توحید ربوبی سیاسی	هر حزب و نهادی باید تابع ولایت الله و فقیه باشد؛ اهتمام برای خدامحور فعالیت سیاسی-اجتماعی است.	جوادی‌آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۵۳؛ ۱۳۸۷ ب، ص. ۲۹
عدل سیاسی	تحزب نباید به ظلم ساختاری (مانند حزب اقلیت یا اکثریت مطلق) بینجامد؛ عدل مطلق الهی حاکم است.	جوادی‌آملی، ۱۳۸۶ الف: ج ۴، ص. ۳۸۵؛ ۱۳۸۹، ج ۱۹، ۵۸۷
نبوت سیاسی	حکومت و نهادسازی جزئی از رسالت است؛ حزب نمی‌تواند جایگزین رسالت الهی شود.	جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ج ۶، صص. ۴۵۴-۴۶۱
امامت سیاسی	زعامت سیاسی-اجتماعی قدر جامع امامت است؛ احزاب باید در چارچوب نیابت فقیه عمل کنند نه استقلال.	جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۴۵۴-۴۶۱؛ ۱۳۸۶ الف: ج ۴، ص. ۴۳۱
معاد سیاسی	تحزب و نهادسازی باید مسئولیت اخروی را تقویت کند؛ حزب صرفاً دنیوی مردود است.	جوادی‌آملی، ۱۳۸۲، ج ۴، ۱۵۶؛ ج ۲۰، ص. ۸۱

زمینه‌های ذهنی تحزب در کلام سیاسی جوادی‌آملی بر سه محور حکمت متعالیه، تفقه جامع و قرآن‌گرایی استوار است. این منظومه معرفتی، تحزب را از یک فعالیت صرفاً سیاسی به کنشی مؤمنانه، عقلانی و اخلاقی ارتقا می‌دهد که در خدمت هدایت الهی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی قرار دارد. احزاب در این دیدگاه باید با عقل و شرع همسو بوده، از سنت‌های صالحه تغذیه شوند و از انحرافات فکری نظیر اومانیزم، لیبرالیسم و پلورالیسم معرفتی پرهیز کنند. این بازتعریف، تحزب را به ابزاری برای تحقق اهداف متعالی دینی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

۴. هنجارهای مرسوم در اسلام و تحزب و نهادهای اجتماعی

حزب و تشکل سیاسی، به‌عنوان یکی از اشکال حکومت‌داری نوین، در اندیشه متفکران کلام سیاسی شیعه با رویکردهای متنوعی مواجه بوده است. این تنوع، گاه ناشی از نمودهای بیرونی و کارکردهای عینی احزاب و گاه برخاسته از مبانی معرفتی و دینی است. برخی متفکران با استناد به آسیب‌های ساختاری و اخلاقی حزب، ازجمله سلب اراده فردی، ترجیح منافع حزبی بر مصالح ملی و مانع‌تراشی در مسیر شایسته‌سالاری، به نقد آن پرداخته‌اند (سالمی قمصری، ۱۳۸۶؛ همتی و درویشی سه‌تالانی، ۱۴۰۲). در مقابل، گروهی دیگر با تأکید بر کارکردهای مثبت احزاب، نظیر سازمندی نیروهای کارآمد، آموزش سیاسی، نظارت بر قدرت و واسطه‌گری میان مردم و حکومت، از حزب دفاع کرده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸؛ فیرحی، ۱۳۹۶).

۳. احزاب سیاسی و نقش واسطه‌گری در جامعه مدنی

حزب در هنجار غربی و اسلامی:

الف. حزب در هنجار غربی

عمدتاً در هنجار غربی حزب را یکی از اجزای نهادهای اجتماعی می‌دانند و در تحلیل خود از این مفهوم، به تعاریف کلاسیک نهاد اجتماعی اشاره می‌کند. براین اساس نهاد اجتماعی نظامی نسبتاً پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای رفتاری است که برخی کنش‌های مشابه را با هدف تأمین نیازهای اساسی جامعه در برمی‌گیرد (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۱۵۱)؛ همچنین نهاد را می‌توان خوشه‌ای از وظایف اجتماعی دانست که در قالب مجموعه‌ای از مؤسسات برای تحقق اهداف مشخص در جامعه شکل گرفته‌اند (مندراس، ۱۳۴۸، ص. ۱۲۲). مهم‌ترین هنجارها و رهیافت‌های مرسوم در نگرش به حزب و تشکل را در سطح کلاسیک و مدرن می‌توان در جدول ذیل برشناخت.

جدول ۴. هنجارهای مرسوم در اندیشه سیاسی کلاسیک و مدرن

رهیافت	ویژگی‌ها	نسبت با حزب و تشکل	نگرش و تصرف جوادی آملی
کارکردگرایی	حزب به‌مثابه نهاد تنظیم‌کننده رفتار سیاسی	حزب ابزاری برای انسجام و مشارکت	همبستگی اجتماعی تنها ذیل ولایت‌فقیه مشروع است؛ بدون آن

و تقویت همبستگی اجتماعی	در نظام سیاسی	تحزب به تفرقه می‌انجامد
انتخاب عقلانی	افراد بر اساس منافع شخصی یا گروهی در احزاب مشارکت می‌کنند	عقلانیت حقیقی منافع را در اطاعت از نظام اسلامی می‌بیند؛ منافع حزبی حرام است
لیبرالیسم سیاسی	تحزب به مثابه حق طبیعی شهروندان در رقابت آزاد	رقابت آزاد بدون محور ولایت به دو قطبی‌سازی و «حزب در برابر حزب» می‌انجامد و نامشروع است
جمهوری‌خواهی مدنی	تحزب در خدمت فضیلت عمومی و مشارکت فعال شهروندان	فضیلت عمومی یعنی تبعیت از شریعت و ولایت؛ حزب بدون این محور به ریا و جناح‌سالاری می‌انجامد
سکولاریسم نهادی	تفکیک دین از سیاست؛ تحزب بدون پیوند با هدایت الهی	حزب عرفی نمی‌تواند جایگزین «خدا و رسول» شود.

ب. تحزب در هنجار اسلامی و شیعی

تحزب و تشکل، به‌عنوان یکی از سازوکارهای بنیادین در حکمرانی نوین، در اندیشه متفکران کلام سیاسی شیعه با رویکردهای متنوعی مواجه شده است.

جدول ۵. رهیافت‌های مرسوم در اندیشه سیاسی اسلامی نسبت به تحزب و تشکل

رهیافت	ویژگی‌ها	نسبت با تحزب و تشکل	نگرش و تصرف جوادی‌آملی
فقه سیاسی سنتی	تمرکز بر ولایت، بیعت و اطاعت از امام یا ولی فقیه	تحزب به مثابه امری مشروط و گاه مظنون به تفرقه	محور ولایت باید معیار هر تشکلی باشد؛ هر حزبی که ولایت را تضعیف کند حرام است
کلام سیاسی شیعی	تأکید بر امامت، عدالت و هدایت الهی در سیاست	تشکل باید در خدمت ولایت و هدایت الهی باشد	هر تشکلی که این سه را نقض کند باطل است؛
فلسفه سیاسی اسلامی	عقلانیت، غایت‌گرایی و سیاست مدینه فاضله	حزب مطلوب باید در خدمت تحقق خیر و عدالت باشد	حزب‌سالاری در مقابل ولایت انحراف از غایت سیاست اسلامی است
اجتهاد اجتماعی معاصر	بازخوانی نهادهای مدرن در پرتو عقل و نقل	تحزب مشروع است اگر در خدمت مصالح امت و اخلاق دینی باشد	حزب مشروع است اگر در خدمت مصالح امت و اخلاق دینی باشد+ بازخوانی با محوریت حفظ نظام

عرفان اجتماعی	تأکید بر اخلاص، نیت و تزکیه در کنش سیاسی	تشکل باید از ریا، قدرت‌طلبی و دنیاگرایی تهی باشد	اسلامی
		تشکل باید از ریا، قدرت‌طلبی و دنیاگرایی تهی باشد	تشکل باید از ریا، قدرت‌طلبی و دنیاگرایی تهی باشد؛ هر حزب قدرت‌طلب ریاکارانه و نامشروع است

این رویکردها را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد: مخالفت، موافقت و بازخوانی نظری مشروط. هر یک از این رویافتها، بر اساس مبانی معرفتی، کارکردهای اجتماعی و برداشت‌های دینی خاصی شکل گرفته‌اند.

۱. رویافت مخالف: نقد حزب بر اساس متون دینی و کارکردهای منفی

برخی متکلمان سیاسی شیعه، با استناد به برخی آیات قرآن و تجربه‌های منفی حزبی، حزب را پدیده‌ای مخل وحدت امت و اخلاق سیاسی دانسته‌اند. در این دیدگاه، حزب موجب سلب اراده فردی، ترجیح منافع جناحی بر مصالح عمومی و مانع انتصاب افراد شایسته می‌شود. همچنین، برخی آیات قرآن مانند مجادله: ۱۹ و ۲۲، مائده: ۵۶ و قصص: ۸۱، به‌عنوان شواهدی بر نگاه منفی قرآن به حزب تلقی شده‌اند. نمونه بارز این دیدگاه را می‌توان در مواضع سنت‌گرایان حوزه‌های علمیه یافت که حزب را عامل تفرقه و جناح‌بندی در امت اسلامی می‌دانند.

محمدتقی مصباح یزدی، از برجسته‌ترین متفکران فلسفه سیاسی اسلامی در دوران معاصر، با نگاهی انتقادی به مدل حزبی رایج، به بازخوانی مبانی ارتباط سیاسی در نظام اسلامی پرداخته است. وی ضمن تأکید بر ضرورت همکاری و هماهنگی میان نیروهای انقلابی، مدل حزبی را نه تنها ناکارآمد، بلکه ناسازگار با مبانی اسلامی می‌داند و خواستار طراحی الگوهای جایگزین بر اساس ارزش‌های دینی است (رجانیوز، ۱۳۸۸).

نقد تاریخی و معرفتی مدل حزبی: مصباح‌یزدی در تحلیل تاریخی خود، منشأ حزب در ایران را متأثر از الگوهای مارکسیستی و غربی می‌داند. «هنوز ما در این جهت پیشرفتی نکرده‌ایم که مدل‌های جدیدی برای ارتباط خودمان ابتکار کنیم» (رجانیوز، ۱۳۸۸).

مصباح‌یزدی با تمایز میان تئوری و عمل حزبی، معتقد است که هرچند برخی

متفکران مانند شهید بهشتی، حزب را مصداقی از تعاون بر خیر دانسته‌اند، اما در عمل، احزاب به ابزار قدرت‌طلبی و تأمین منافع گروهی بدل شده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳). مصباح یزدی با اشاره به تجربه غرب، تعهدات حزبی را صرفاً ابزاری برای اهداف سیاسی می‌داند که در نهایت به سلطه گروه‌های خاص منجر می‌شود. وی معتقد است که در این ساختار، مردم منشأ اثر نیستند، بلکه احزاب ابزار سلطه‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶). مصباح یزدی معتقد است که نه مدل فردی و نه مدل حزبی، هیچ‌یک اسلامی نیستند (رجانیوز، ۱۳۸۸).

۲. رهیافت موافق: حزب به مثابه نهاد مؤمنانه با کارکردهای مثبت

در مقابل، برخی متفکران شیعه با تأکید بر کارکردهای مثبت حزب، آن را نهادی قابل تطبیق با شریعت دانسته‌اند. این کارکردها شامل سازماندهی نیروهای مؤمن، آموزش سیاسی، جلوگیری از استبداد، نظارت بر حکومت، رقابت سالم و واسطه‌گری میان مردم و حاکمیت است. این دیدگاه، حزب را در خدمت امت‌سازی و تحقق عدالت اجتماعی می‌بیند. در این رهیافت، سه رویکرد فرعی قابل‌شناسایی است:

الف) رویکرد لغوی و تفسیری: برخی متفکران، با استناد به واژگان قرآنی نظیر «حزب»، «فئه»، و «سبقت در خیرات»، تلاش کرده‌اند تا حزب را در چارچوب مفاهیم دینی معنا کنند. آیاتی چون «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ لَأَإِنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲) و «أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» (مجادله: ۱۹) نشان‌دهنده دوگانگی ارزشی در مفهوم حزب هستند که بسته به جهت‌گیری آن، می‌تواند الهی یا شیطانی باشد.

ب) رویکرد کارکردی با تکیه بر مبانی دینی: در این رویکرد، حزب به مثابه ابزار تحقق امر به معروف، حسبه، و مشارکت در امور خیر اجتماعی تلقی می‌شود. حزب، در این معنا، بستری برای تحقق تعاون، نظارت، و جلوگیری از استبداد است (فیرحی، ۱۳۹۶؛ امینی‌زاده، ۱۴۰۳). در نظام‌های مدرن، احزاب سیاسی یکی از ارکان بنیادین جامعه مدنی محسوب می‌شوند. آن‌ها از یک سو مطالبات، نیازها، و خواست‌های جامعه را شناسایی و به حکومت منتقل می‌کنند، و از سوی دیگر، در شکل‌دهی به پاسخ‌های حکومت و ارائه آن به جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند. این واسطه‌گری، در صورت تحقق اصول اخلاقی و دینی، می‌تواند به تقویت مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی منجر شود (اخوان کاظمی،

۱۳۸۸؛ فیرحی، ۱۳۹۶).

ج) رویکرد نظری و ساختاری: پاره‌ای از متفکران، به‌ویژه در مطالعات تطبیقی، به تبیین بسترهای نظری حزب پرداخته‌اند. این رویکرد، با تمرکز بر نسبت میان حزب و نهادهای مدنی، تلاش دارد تا الگوی مطلوبی از حزب اسلامی ارائه دهد که هم با ساختارهای مدرن سازگار باشد و هم با ارزش‌های دینی تعارض نداشته باشد (سردارنیا، ۱۳۹۳).

با وجود آسیب‌های ساختاری و فرهنگی حزب در ایران، ازجمله ناکامی در نهادینه‌سازی، باندگرایی، و ضعف در شایسته‌سالاری، به نظر می‌رسد که امکان اصلاح و اسلامی‌سازی این نهاد وجود دارد. رویکرد سوم، یعنی تبیین نظری و بازسازی ساختاری، بیش از سایر رهیافت‌ها مقرون به صواب است؛ زیرا می‌کوشد ضمن حفظ کارکردهای مثبت، وجوه منفی را کاهش دهد (آقاجانی، ۱۴۰۳؛ مسعودنیا، ۱۳۸۲).

۳. رهیافت بازخوانی مشروط: تقلیل آسیب‌ها و تقویت ظرفیت‌ها

در این رهیافت، حزب نه مطرود مطلق است و نه مقبول بی‌قید، بلکه نیازمند پالایش مفهومی و اصلاح ساختاری است. تلاش برای کاهش آسیب‌هایی چون جناح‌گرایی، انحصارطلبی، و قدرت‌طلبی، و در مقابل، تقویت وجوه مثبت مانند مشارکت مؤمنانه، نظارت مردمی، و تربیت سیاسی، محور این دیدگاه است.

سیدمحمد بهشتی، از معماران فکری نظام جمهوری اسلامی، حزب را نه صرفاً یک ابزار سیاسی، بلکه تجلی‌ای از تعاون، ایمان، و سازمان‌یافتگی در مسیر تحقق جامعه اسلامی می‌داند. در نگاه او، حزب در نظام اسلامی باید بر پایه اعتماد، ایمان، و مسئولیت‌پذیری شکل گیرد: «حزب در نظام اسلامی، یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن افرادی که همدیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتماد دارند، به اسلام معتقد هستند... می‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام، جامعه اسلامی را اداره کنند یا در اداره آن جامعه اسلامی سهم گردند» (بهشتی، ۱۳۹۲، ص. ۶۵).

بهشتی سازمان‌دهی را شرط بیدارسازی جامعه ایستا می‌داند. از نظر او، هرچه ارگان‌های اجتماعی متنوع‌تر و شبکه ارتباطی میان افراد گسترده‌تر باشد، جامعه از

پویایی و اعتماد بیشتری برخوردار خواهد بود (موسوی مقدم، ۱۳۸۵). بهشتی برای حزب اسلامی مجموعه‌ای از ویژگی‌های معرفتی، اخلاقی، و ساختاری برمی‌شمرد که آن را از احزاب قدرت‌طلب و باندی متمایز می‌سازد. در اندیشه بهشتی، تحزب نه تنها با عبادت منافات ندارد، بلکه می‌تواند مصداق تعاون بر خیر باشد. او حزب را «معبود» می‌نامد، زیرا در آن انسان‌ها برای تحقق ارزش‌های الهی گرد هم می‌آیند (مهاجرنیا، ۱۳۸۸، ص. ۴۶۲). بهشتی بر حفظ آزادی‌های انسان‌ساز درون حزب تأکید می‌کند و معتقد بود که حزب باید بستری برای رشد افراد باشد، نه حذف آن‌ها (طحان نظیف و داریوند، ۱۴۰۲، ص. ۱۶۰).

باتوجه به تحلیل‌های فوق، دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی را می‌توان در قالب «رهیافت انتقادی با گرایش به مدل‌های جایگزین» طبقه‌بندی کرد. برخلاف بهشتی که در چارچوب «رهیافت موافق مشروط» از تحزب دفاع می‌کند، مصباح‌یزدی با نقد معرفتی، ساختاری، و تاریخی، خواستار عبور از مدل حزبی و طراحی الگوهای جدید ارتباطی بر اساس ارزش‌های اسلامی است.

تصرفات جوادی‌آملی در اسلام؛ تحزب و نهادهای اجتماعی

تحزب و تشکل، به‌عنوان دو نهاد بنیادین در نظام‌های سیاسی مدرن، در سنت اسلامی سابقه‌ای مستقیم ندارند. باین‌حال، اندیشه سیاسی اسلامی در مواجهه با این پدیده‌ها، واکنش‌های متنوعی از انکار تا بازتعریف ارائه داده است. آیت‌الله جوادی‌آملی، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متفکران معاصر در حوزه فلسفه، تفسیر و کلام اسلامی، در آثار خود به تصرف در هنجارهای رایج غربی و اسلامی درباره تحزب و تشکل پرداخته است. این تصرفات نه تنها نشان‌دهنده عمق نظری منظومه فکری ایشان‌اند، بلکه بستری برای بازاندیشی در نهادسازی دینی و مشارکت مؤمنانه در جوامع اسلامی فراهم می‌کنند.

۱. تصرف در هنجارهای غربی تحزب و تشکل

۱-۱. نقد مبانی معرفتی تحزب غربی

در گفتمان غربی، تحزب عمدتاً بر پایه عقلانیت ابزاری، رقابت قدرت، و منافع گروهی تعریف می‌شود. حزب در این چارچوب، نهادی است برای سازمان‌دهی

مطالبات سیاسی، بسیج رأی‌دهندگان، و کسب قدرت در ساختار دولت. جوادی آملی با نقد این مبانی، آن را فاقد پیوند با حقیقت، عدالت، و هدایت الهی می‌داند: «اگر حزب برای خدا باشد، حزب‌الله است؛ و اگر برای دنیا باشد، حزب‌الشیطان» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲). وی معتقد است که تحزب غربی، به دلیل فقدان غایت‌گرایی الهی، به نسبی‌گرایی ارزشی، قدرت‌طلبی، و تفرقه اجتماعی منجر می‌شود. در این نگاه، حزب نه ابزار هدایت، بلکه وسیله‌ای برای سلطه و رقابت ناسالم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

۱-۲. تصرف مفهومی: بازتعریف حزب در پرتو قرآن

جوادی آملی با استناد به آیات قرآن، به بازتعریف مفهوم حزب می‌پردازد. در آیه ۲۲ سوره مجادله، «حزب‌الله» به عنوان گروهی مؤمن، صادق، و وفادار به حق معرفی می‌شود. ایشان این مفهوم را به مثابه الگوی مطلوب تشکل سیاسی در جامعه اسلامی معرفی می‌کند: حزب باید در خدمت حق، نه قدرت باشد. اعضای حزب باید اهل ایمان، اخلاق، و اخلاص باشند. هدف حزب باید تحقق عدالت، کرامت انسان، و هدایت الهی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۱۷، ص ۴۸). در این چارچوب، حزب نه نهادی عرفی، بلکه تشکل مؤمنانه‌ای است که از عقلانیت دینی و اخلاق قرآنی تغذیه می‌کند.

۱-۳. نقد سکولاریسم نهادی

جوادی آملی با نقد سکولاریسم نهادی در نظام‌های حزبی غربی، تأکید می‌کند که سیاست بدون دین، به فساد، بی‌عدالتی، و بحران هویت منجر می‌شود. وی معتقد است که تفکیک دین از سیاست، موجب تهی شدن نهادهای اجتماعی از معنا و غایت می‌شود: «سیاست اگر از دین جدا شود، دیگر هدایت نیست؛ بلکه مدیریت قدرت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۵۴). در این نگاه، تحزب سکولار، فاقد مشروعیت دینی است و باید با عقلانیت الهی جایگزین شود.

۲. تصرف در هنجارهای سنتی اسلامی درباره حزب

۲-۱. نقد نگاه سلبی به تحزب در فقه سنتی

در سنت فقهی اسلامی، به‌ویژه در قرون اولیه، تحزب گاه با تفرقه، نزاع جناحی، و

بدعت هم معنا تلقی شده است. بسیاری از فقها، به‌ویژه در سنت اهل سنت، بر اصل «جماعت» و اطاعت از امام تأکید کرده‌اند و هرگونه تشکل مستقل را مظنون دانسته‌اند. جوادی‌آملی با حفظ اصول وحدت امت، به بازخوانی این نگاه می‌پردازد: - تحزب اگر در خدمت هدایت الهی باشد، نه تنها مشروع، بلکه ضروری است. - تشکل باید با نیت قربت، عقلانیت دینی، و اخلاق قرآنی همراه باشد. - نهادسازی دینی، لازمه تحقق عدالت اجتماعی و مشارکت مؤمنانه است» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، ص ۵۴).

۲-۲ تصرف نهادی: سنت‌سازی از طریق تشکل‌های دینی

جوادی‌آملی با تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی در تربیت و هدایت جامعه، به تأسیس و تقویت تشکل‌هایی مانند راهپیمایی روز قدس، دهه فجر، و اربعین می‌پردازد. این نهادها، به‌زعم وی، نمونه‌هایی از «سنت‌های صالحه» هستند که از عقل و نقل تغذیه می‌کنند و خود به سنت‌سازی می‌پردازند: «نهاد اجتماعی اگر از سنت صالحه تغذیه کند، خود به سنت‌سازی می‌پردازد و مشارکت را تعالی می‌بخشد» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵، ص ۵۴). در این نگاه، تشکل نه صرفاً ابزار سیاسی، بلکه نهاد تربیتی، اخلاقی، و ایمانی است.

۲-۳ از تعریف مشارکت سیاسی

در منظومه فکری جوادی‌آملی، مشارکت سیاسی نه تنها مجاز، بلکه ضروری است؛ مشروط بر آن‌که در چارچوب هدایت الهی و عقلانیت دینی باشد. وی رأی اکثریت را در صورتی معتبر می‌داند که با شرع و عقلانیت هم‌خوانی داشته باشد: «رأی مردم محترم است، اما اگر برخلاف عقل و شرع باشد، حجیت ندارد» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). این تصرف، مشارکت سیاسی را از سطح عرفی به سطح ایمانی ارتقا می‌دهد و آن را به کنشی اخلاقی و معرفتی تبدیل می‌کند.

۳. مبانی معرفتی و تفصیل تصرفات جوادی‌آملی

آیت‌الله جوادی‌آملی برخی ویژگی‌های بنیادین نهاد را چنین برمی‌شمارد: تأمین نیازهای اجتماعی مشخص؛ تضمین ارزش‌های غایی اعضای نهاد؛ برخورداری از ثبات نسبی تاجایی که الگوهای رفتاری آن بخشی از فرهنگ جامعه می‌شود؛ و گسترده‌گی بنیان‌های اجتماعی به نحوی که تغییر در آن‌ها به تغییر در سایر نهادها منجر می‌گردد. افزون‌براین،

آرمان‌ها و اهداف نهاد باید مورد پذیرش بخش عظیمی از جامعه باشد، چه در آن مشارکت داشته باشند یا نه (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲، ج ۱۷، ص. ۴۸).

در نگاه جوادی‌آملی، تشکل اجتماعی نه تنها امری مشروع بلکه اقدامی دینی و اجتماعی است که ریشه در سنت انبیاء دارد. وی با استناد به سیره حضرت عیسی (ع)، تأکید می‌کند که آن حضرت در مواجهه با کفر آشکار دشمنان، برای دفاع از دین و تأثیرگذاری بر جامعه، به ایجاد تشکل، کادرسازی و تربیت حواریون همت گماشت؛ افرادی که هم خود خالص و پاک بودند و هم عامل تهذیب نفوس دیگران و راهنمای گم‌گشتگان فکری به‌سوی حق (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲، ج ۱۷، صص. ۴۸-۴۹).

جوادی‌آملی با استناد به روایت امیرالمؤمنین علی (ع): «الزَّموا السَّوادَ الأعظمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»، بر این باور است که راه نجات از انحراف، پناه بردن به جمع خداجویان و مشارکت فعال در روابط اجتماعی جامعه دینی و ایجاد تشکل بزرگ اسلامی است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۴، ص. ۳۵۷). در تعریف حزب، وی آن را گروهی با هدف و انگیزه واحد می‌داند و به اقوال مختلف درباره واژه «حزب» اشاره می‌کند. برخی آن را جماعتی با شدت و غلظت می‌دانند، برگرفته از واژه «حزباء» به معنای زمین سخت (ابن فارس، بی تا، ج ۲، ص. ۵۵)؛ برخی دیگر معتقدند که «هدف‌داری» اصل معناست و شدت و فشار از لوازم آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، صص. ۲۲۲-۲۲۳)؛ بنابراین، افزون بر وحدت هدف، عنصر شدت و صف‌بندی نیز در مفهوم حزب نهفته است. وی از آیه «كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» نتیجه می‌گیرد که مخاصمه و تقابل نیز در معنای حزب مستتر است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۷۴).

با این نگاه، جوادی‌آملی حزب و برخورداری از تشکل‌های اجتماعی-سیاسی را برای پویایی و پایداری جامعه ضروری می‌داند، اما تأکید می‌کند که احزاب توحیدی باید محور حق و باطل را ذات الهی بدانند. در جهان‌بینی توحیدی، هر چیزی جز آنچه منسوب به خداوند است، باطل تلقی می‌شود. از این رو، انسان موحد باید در تمام کنش‌های فردی و اجتماعی، رضایت الهی را معیار قرار دهد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۷۴).

بر همین اساس، وی معتقد است که معیارهای رقابت حزبی در جامعه اسلامی با جوامع دیگر تفاوت بنیادین دارد. احزاب توحیدی، همچون افراد جامعه اسلامی، حامل رسالت انبیاء هستند؛ باید هواداران خود را به سوی خدا دعوت کنند، اجرای احکام الهی و حاکمیت دین را هدف قرار دهند، و حب و بغض‌های حزبی را تنها بر محور دین تنظیم کنند. حتی اگر سخن حق از سوی حزب دیگر بیان شود، باید پذیرفته و حمایت شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۷۴).

در این چارچوب، رقابت‌ها و مخاصمه‌های حزبی در میان احزاب توحیدی جایگاهی ندارد. بلکه تعدد احزاب بی‌معنا خواهد بود و همه احزاب موحد راستین باید در کنار یکدیگر برای تحقق هدف واحد تلاش کنند. وی بسیاری از موضع‌گیری‌های سران احزاب را چیزی جز استعباد، بهره‌کشی و تفرعن نمی‌داند که هدفشان اطاعت کورکورانه دیگران است (جوادی‌آملی، ادب فناء مقربان، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۷). جوادی‌آملی با استناد به قرآن، انسان‌ها را به دو حزب تقسیم می‌کند: حزب‌الله و حزب شیطان. قرآن، رستگاری و پیروزی را از آن حزب‌الله می‌داند: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ و فرجام حزب شیطان را جز خسران و آتش نمی‌داند: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۷۸). رابطه حزب و مشارکت سیاسی در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی، بر پایه مبانی عقلانی، قرآنی و کلامی وی، رابطه‌ای مشروط، اخلاق‌محور و هدف‌مند است.

۱. **حزب به مثابه ابزار عقلانی برای تحقق مشارکت مشروع:** جوادی‌آملی حزب را در صورتی مشروع می‌داند که در خدمت «حق» و «عدالت» باشد، نه ابزار قدرت‌طلبی یا تفرقه. حزب مطلوب در نگاه وی، حزبی است که بر اساس عقلانیت دینی، اخلاق قرآنی، و هدف‌مندی الهی شکل گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵). مشارکت سیاسی از طریق حزب، زمانی پذیرفته است که با نیت قربت، هدایت الهی، و رعایت مصالح عمومی همراه باشد. «اگر حزب برای خدا باشد، حزب‌الله است؛ و اگر برای دنیا باشد، حزب‌الشیطان» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۲).

۲. **مشارکت سیاسی در چارچوب مردم‌سالاری دینی:** در منظومه فکری جوادی‌آملی، مشارکت مردم در امور سیاسی نه تنها مجاز، بلکه ضروری است؛ مشروط بر آن‌که در

چارچوب هدایت الهی و عقلانیت دینی باشد. وی رأی اکثریت را در صورتی معتبر می‌داند که با شرع و عقلانیت هم‌خوانی داشته باشد (آقاجانی، ۱۴۰۲). «رأی مردم محترم است، اما اگر برخلاف عقل و شرع باشد، حجیت ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۸۷).

۳. حزب و نهادهای اجتماعی در خدمت مشارکت مؤمنانه: جوادی آملی بر نقش نهادهای اجتماعی دینی مانند راهپیمایی روز قدس، دهه فجر، و اربعین در تقویت مشارکت سیاسی تأکید دارد. این نهادها، به‌زعم وی، سنت‌های صالحه‌ای هستند که مشارکت مؤمنانه را نهادینه می‌کنند (ایسنا، ۱۴۰۴). «نهاد اجتماعی اگر از سنت صالحه تغذیه کند، خود به سنت‌سازی می‌پردازد و مشارکت را تعالی می‌بخشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص. ۵۴).

جدول ۶. تصرفات جوادی آملی در هنجارهای مرسوم

نوع تصرف	هنجار مرسوم مورد تصرف	تصرف جوادی آملی	ارجاع کلیدی
انکاری	حزب سکولار و لیبرال غربی	رد جدایی دین از سیاست؛ حزب سکولار = حزب الشیطان	۱۳۸۰؛ ۱۳۸۳: ۱۸، ۳۳؛ ۱۳۸۴: ۱۵۴
انکاری	قدرت‌طلبی و رقابت جناحی	حزب برای دنیا = حزب الشیطان؛ باید برای خدا و هدایت باشد	۱۳۸۰، ص ۱۱۲
انکاری	نگاه سلبی مطلق سستی به حزب	حزب فی‌نفسه بد نیست؛ «حزب‌الله» در قرآن الگوی مثبت است	مجادله/۲۲
انکاری	تفسیر دلخواه و دین‌حداقلی	مردود؛ ناتوان از تمدن‌سازی و نهادهای پویا	۱۳۸۶ ب: ۱۰۸
اثباتی	حزب به‌مثابه ابزار قدرت	بازتعریف به حزب مؤمنانه، تحت ولایت، در خدمت حق و عدالت	مجادله/۲۲؛ ۱۳۷۸: ج ۶، ۲۱۲
اثباتی	مشارکت سیاسی عرفی	ارتقا به کنش مؤمنانه با نیت قربت و هم‌خوانی با شرع	۱۳۹۸، ص ۸۷
اثباتی	نهادهای عرفی یا جناحی	تأسیس سنت‌های صالحه نهادین به‌مثابه تشکل میلیونی بدون ساختار سکولار	۱۳۹۵، ص ۵۴
اثباتی	شورا بدون چارچوب ولایی	شورا در سایه ولایت معصوم/فقیه؛ احزاب ابزار اجرای شورا تحت نظارت ولایت	شوری/۳۸؛ آل‌عمران/۱۵۹

اثباتی	تعدد احزاب بدون قید	مجاز تنها در چارچوب وحدت اسلامی و بدون پلورالیسم معرفتی	۱۳۸۳، ص ۱۸۵
--------	---------------------	---	-------------

تصرفات جوادی‌آملی تحزب را از ابزار قدرت (هنجار غربی) یا پدیده مطرود (هنجار سستی سلبی) به «تشکل مؤمنانه ولایی» تبدیل می‌کند که ویژگی‌هایش عبارت‌اند از: نیت الهی، نظارت ولایت فقیه، اخلاق‌محوری، سنت‌سازی و خدمت به وحدت امت و تمدن اسلامی. این الگو، پاسخ عملی جوادی‌آملی به چالش‌های جناحی و سکولار ایران معاصر است و ظرفیت نهادسازی دینی پویا را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تحلیل کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی درباره تحزب و تشکل، باتکیه بر چارچوب نظری هرمنوتیکی اسکینر، نشان داد که منظومه فکری ایشان واجد ظرفیت‌های مفهومی، معرفتی و نهادی‌ای است که می‌تواند به بازسازی نهادهای سیاسی در جوامع اسلامی کمک کند. جوادی‌آملی نه تنها به نقد هنجارهای رایج غربی و اسلامی درباره تحزب می‌پردازد، بلکه با تصرف در آن‌ها، الگوی نوینی از تشکل مؤمنانه، عقلانی و اخلاق‌محور ارائه می‌دهد.

آیت‌الله جوادی‌آملی، با تصرف در هنجارهای غربی و اسلامی تحزب و تشکل، منظومه‌ای نوین از کلام سیاسی اسلامی ارائه می‌دهد که در آن، حزب و نهاد اجتماعی نه ابزار قدرت، بلکه تجلی عقل، نقل، و هدایت الهی‌لند. این منظومه، باتکیه بر عقلانیت دینی، تفقه جامع، و قرآن‌گرایی، زمینه‌ای برای نهادسازی مؤمنانه و مشارکت اخلاقی در جامعه اسلامی فراهم می‌کند. در این مقاله، ابتدا با تبیین چارچوب نظری اسکینر، نشان داده شد که فهم دقیق متون سیاسی مستلزم بازسازی زمینه‌های ذهنی و عینی مؤلف، شناخت هنجارهای مرسوم، و تحلیل کنش زبانی اوست. این چارچوب، امکان تحلیل منظومه فکری جوادی‌آملی را نه به مثابه مجموعه‌ای از گزاره‌های انتزاعی، بلکه به عنوان کنش‌های زبانی در بستر تاریخی و اجتماعی خاص فراهم ساخت.

در بخش‌های بعدی، زمینه‌های عینی تحزب در آثار جوادی‌آملی بررسی شد. تجربه

انقلاب اسلامی، چالش‌های مردم‌سالاری دینی، ظهور احزاب سکولار، و نیاز به نهادسازی دینی، از جمله عواملی بودند که بستر اجتماعی و تاریخی تصرفات ایشان را شکل دادند. در این بستر، جوادی‌آملی حزب را نه صرفاً امری سیاسی، بلکه پدیده‌ای معرفتی، اخلاقی و ایمانی تلقی می‌کند که بلید در خدمت هدایت الهی و مصالح امت باشد. زمینه‌های ذهنی منظومه فکری ایشان نیز بر سه پایه فلسفی، فقهی و قرآنی استوار بودند. تأثیرپذیری از حکمت متعالیه، تفقه جامع، و قرآن‌گرایی، موجب شد که جوادی‌آملی سیاست را نه عرصه قدرت، بلکه میدان تحقق عقلانیت، عدالت و کرامت انسان بدانند. در این چارچوب، حزب مطلوب حزبی است که با ولایت الهی، عقل صائب، و اخلاق قرآنی پیوند داشته باشد.

در ادامه، هنجارهای مرسوم در اندیشه سیاسی غربی و اسلامی درباره حزب و تشکل بررسی شد. در گفتمان غربی، حزب نهادی برای رقابت قدرت، سازمان‌دهی منافع گروهی، و مدیریت سیاسی است که عمدتاً بر پایه سکولاریسم نهادی و عقلانیت ابزاری شکل گرفته است. در سنت اسلامی نیز، حزب گاه با تفرقه، نزاع جناحی، و بدعت هم‌معنا تلقی شده و نگاه سلبی به آن غالب بوده است. جوادی‌آملی در برابر این هنجارها، موضعی تصرف‌گرانه اتخاذ می‌کند و با بازتعریف مفاهیم، الگوی جدیدی از تشکل دینی ارائه می‌دهد. تصرفات جوادی‌آملی در هنجارهای غربی، شامل نقد سکولاریسم، بازتعریف حزب در پرتو آیات قرآن، و ارتقای مشارکت سیاسی به کنش ایمانی بود. ایشان با استناد به مفاهیمی چون «حزب‌الله» و «امت وسط»، حزب را نهادی مؤمنانه، اخلاق‌محور و هدایت‌گر معرفی می‌کند که باید در خدمت حق و عدالت باشد، نه ابزار قدرت‌طلبی و رقابت جناحی. در برابر هنجارهای سنتی اسلامی نیز، جوادی‌آملی با حفظ اصول وحدت امت، به بازخوانی فقه سیاسی می‌پردازد.

جدول ۷. تصرفات جوادی‌آملی در تطبیق با چارچوب نظری اسکینر

مؤلفه	مصادق در آثار جوادی‌آملی
زمینه ذهنی	عقلانیت دینی، ولایت الهی، تفقه جامع
زمینه عینی	تجربه انقلاب اسلامی، مسئله حزب سکولار، نیاز به نهادسازی دینی
هنجارهای مرسوم	رقابت حزبی، سکولاریسم نهادی، نگاه سلبی فقهی

تصرفات زبانی	بازتعریف حزب، تأسیس نهادهای مؤمنانه، ارتقای مشارکت سیاسی به کنش ایمانی
--------------	--

منبع: (یافته‌های پژوهش)

درمجموع، منظومه فکری جوادی‌آملی درباره حزب و تشکل، واجد ویژگی‌هایی است که آن را از رهیافت‌های رایج متمایز می‌سازد: غایت‌گرایی الهی: حزب باید در خدمت تحقق حق، عدالت، و هدایت الهی باشد. عقلانیت دینی: حزب باید بر پایه عقل صائب، اجتهاد اجتماعی، و مصالح امت شکل گیرد. اخلاق‌محوری: نیت، اخلاص، و تقوا باید در کنش حزبی لحاظ شود. ولایت‌محوری: حزب مطلوب باید با ولایت الهی و هدایت شرعی پیوند داشته باشد. سنت‌سازی: نهادهای اجتماعی باید از سنت‌های صالحه تغذیه شوند و خود به سنت‌سازی بپردازند. این ویژگی‌ها، حزب را از سطح عرفی و ابزاری به سطح ایمانی و معرفتی ارتقا می‌دهند و آن را به‌مثابه کنش مؤمنانه در جامعه اسلامی بازتعریف می‌کنند.

می‌توان گفت که تصرفات جوادی‌آملی در هنجارهای حزب و تشکل، الگویی برای نهادسازی دینی، مشارکت اخلاقی، و بازتعریف سیاست در پرتو عقلانیت الهی ارائه می‌دهد. این الگو، می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در ساختارهای حزبی در جوامع اسلامی باشد و زمینه‌ای برای تحقق مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، و کرامت انسانی فراهم سازد.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن فارس، احمد بن فارس. (بی‌تا). معجم مقاییس اللغة (ج. ۲، ص. ۵۵). تحقیق عبدالسلام محمد هارون.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). حزب و تحزب در اندیشه اسلامی. فقه و اصول، شماره ۸۲، ۱۱-۴۲.

ایرنا. (۱۳۷۸). «گزارش سخنان آیت‌الله مصباح‌یزدی در موضوع فلسفه سیاسی اسلام و تحزب». بازپابی از <https://www.irna.ir>

آقاجانی، علی (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی مسائل کلام سیاسی از دیدگاه جوادی‌آملی و مجتهد

- شبستری. جستارهایی در فلسفه و کلام، ۵۵(۲)، ۱۷۷-۲۰۱.
- آقاجانی، علی (۱۴۰۳). بررسی جریان‌های فکری مؤثر در تکوین نگرش کلامی-سیاسی آیت‌الله جوادی آملی. آینه معرفت، ۲۴(۳)، ۱-۲۲.
- آقاجانی، علی (۱۴۰۳). تحلیلی هرمنوتیکی از فلسفه‌ورزی منسیوس درباره سیاست. فلسفه، ۵۲(۱)، ۱-۲۷.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۲). حق و باطل. تهران: نشر بقیعه.
- جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۱). وحی و نبوت در قرآن؛ تفسیر موضوعی. ج ۳، تحقیق: علی زمانی قمشه‌ای، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. ج ۱، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). تفسیر تسنیم (جلد ۲). قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ الف). دین شناسی. تحقیق: محمدرضا مصطفی پور، چاپ سوم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ ب). نسبت دین و دنیا. تحقیق: علیرضا روغنی موفق قم: اسراء، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). حیات حقیقی انسان در قرآن. تفسیر موضوعی - ج ۱۵ - چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ب). تفسیر انسان به انسان. تحقیق: محمدحسین الهی زاده. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). سروش هدایت (مجموعه پیامهای حضرت آیت الله جوادی آملی). تحقیق: سید محمود صادقی، ج ۲: قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم (جلد ۷). قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فلسفه حقوق بشر. تحقیق: سیدابوالقاسم حسینی ژرفا. چاپ پنجم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ الف). سرچشمه اندیشه. جلد ۴، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ب). شریعت در آینه معرفت. تحقیق: حمید پارسانیا. چاپ پنجم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ج). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تحقیق: احمد واعظی، قم: اسراء.

- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *امام مهدی (عج) موجود موعود*. چاپ ۳، قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۷ الف). *مهر استاد، سیره علمى و عملى استاد جوادى آملی (دام ظلّه)*. چاپ چهارم، قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ب). *انتظار بشر از دین*. چاپ پنجم تحقیق: محمدرضا مصطفی پور قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *ادب فنای مهربان*. تحقیق: محمد صفایی. ج ۶ قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *نسیم اندیشه*. تحقیق: سید محمود صادقی ج ۳ قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت*. قم: نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم (جلد ۱۵)*. قم: نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیات*. قم: بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۲). *جامعه در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن (جلد ۱۷)*. چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
- حسین زاده، محمد (۱۳۸۰). *مبانی معرفت دینی*. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- خبرآنلاین. (۱۳۸۸). «گزارش مصاحبه و بیانات آیت الله مصباح یزدی در موضوع حزب و قدرت طلبی». بازیابی از <https://www.khabaronline.ir>
- رجانیوز. (۱۳۸۸، ۱۴ شهریور). «متن کامل سخنان آیت الله مصباح: ضرورت پژوهش درباره مدل ارتباطی». <https://www.rajanews.com/news/20354>
- سالمی قمصری، مرتضی. (۱۳۸۶). *موانع فرهنگی حزب در ایران (دوره اول حزب)*. علوم اجتماعی، ۱۴ (۳۷)، ۳۹-۷۱. <https://doi.org/10.22054/qjss.2007.5329>
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲). *مبانی حزب در اندیشه سیاسی اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۳). *تحلیل جامعه شناختی نهادهای نشدن و ناکامی حزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز*. پژوهش های تاریخی، ۶ (۴)، ۴۳-۵۶.
- طحان نظیف، هادی؛ و داریوند، محمد صادق (۱۴۰۲). *واکاوی جایگاه حزب و آزادی حزب در نظام اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید بهشتی*. حکومت اسلامی، ۲۸ (۴)، ۱۴۳-۱۷۲.
- عباس تبار، رحمت، و زارع پور نقیبی، محمد (۱۳۹۸). *همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه جوادى آملی بر اساس نظریه هرمنوتیک اندیشه شناسانه اسکینر*. انسان پژوهی دینی، ۱۶ (۴۲)، ۲۰۱-۲۱۹. <https://sid.ir/paper/219930/fa>.

علویان، مرتضی و زارع پور، محمد (۱۳۹۷). اقتضائات حضور عقل برهانی در معرفت سیاسی آیت الله جوادی آملی. معرفت سیاسی، سال دهم، پاییز و زمستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۰).
عمادی، عباس (۱۳۹۳). هرمنوتیک /سکینر. دانشنامه پژوه پژوهشکده باقرالعلوم. بازیابی از دانشنامه پژوه.

فیرحی، داود (۱۳۹۶). فقه و حکمرانی حزبی. تهران: نشر نی.
کوهن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی - رضا فاضل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی. - مترجم: رضا فاضل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
گروه پژوهشی فقه معاصر. (بدون تاریخ). حزب و حکمرانی حزبی (منابع مطالعاتی). دانشنامه فقه معاصر. بازیابی از <https://ency.feqhemoaser.com/fa/view>

لکزایی، نجف (۱۳۹۳). سیاست متعالیه در اندیشه جوادی آملی. در اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر (صص ۲۱۵-۲۴۰). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
مجتبی‌زاده، علی (۱۳۹۹). اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله جوادی آملی بر اساس نظریه بحران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم. بازیابی شده از پایگاه اشتراک دانش دانشگاه باقرالعلوم.

مسعودنیا، حسین (۱۳۸۲). درآمدی بر چالش‌های حزب و پیاذهای آن در ایران. راهبرد، ۲۹(۳)، ۱۵۰-۱۳۸

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). [بیانات در موضوع مدل حزبی و نقد حزب غربی]. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج. ۲، صص. ۲۲۲-۲۲۳). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مندراس، هانری؛ و ژرژ گورویچ (۱۳۴۸). مبانی جامعه‌شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: کتاب‌های سیمرغ.
مندراس، هانری؛ و ژرژ گورویچ (۱۳۴۸). مبانی جامعه‌شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: کتاب‌های سیمرغ.
موسوی مقدم، رحمت‌الله (۱۳۸۵). آزادی‌های اجتماعی در نگاه شهید بهشتی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۲(۴ و ۵)، ۱۷۱-۱۸۷.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۹). درآمدی بر فقه تحزب در نظام اسلامی / قم: موسسه آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی طلوع مهر.

همتی، زهره؛ مسعودنیا، حسین؛ و درویشی سه تلانی، فرهاد. (۱۴۰۲). کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در تحلیل کثرکارکردی احزاب سیاسی در ایران (۱۳۸۵-۱۴۰۰). سیاست متعالیه، ۱۱(۱)، ۱۴۱-۱۶۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.528931.1693>

یوسفی، جمشید؛ طالبی‌دارابی، باقر؛ و بیگدلی، علی (۱۴۰۳). تحزب و سرمایه معنوی در ایران بعد از انقلاب. سیاست متعالیه، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ۱۳۲-۱۵۰.

References

The Holy Qur'an

- Akhavan Kazemi, B. (2009). Party and partisanship in Islamic thought. *Quarterly Journal of Fiqh and Usul*, (82). [in Persian]
- Aghajani, A. (2023). A comparative study of political-theological issues from the perspectives of Javadi Amoli and Mojtaba Shabestari. *Jostarha-yi dar Falsafeh va Kalam*, 55(2), 177-201. [in Persian]
- Aghajani, A. (2024). Study of influential intellectual currents in the formation of Ayatollah Javadi Amoli's theological-political attitude. *Ayeneh-ye Ma'refat*, 24(3), 1-22. [in Persian]
- Alavian, M., & Zarepour, M. (2018). Requirements of the presence of demonstrative reason in Ayatollah Javadi Amoli's political knowledge. *Political Knowledge*, 10(2). [in Persian]
- Bigdeli, R. (2008). *Partisanship from the perspective of reason and religion*. Zanjani: Author's Publication. [in Persian]
- Cohen, B. (1993). *Foundations of sociology* (G. A. Tavassoli & R. Fazeli, Trans.). Tehran: SAMT Publications. [in Persian]
- Emadi, A. (2014). *Skinner's hermeneutics*. Pazuhe Encyclopedia. [in Persian]
- Firahi, D. (2017). *Jurisprudence and party governance*. Tehran: Ney Publication. [in Persian]
- Hosseinzadeh, M. (2001). *Foundations of religious knowledge*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (1999). *Tafsir Tasnim* (Vol. 1). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2002). *Revelation and prophethood in the Quran* (Vol. 3). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2003). *Tafsir Tasnim* (Vol. 2). Qom: Esra Publication. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2004 a). *Religious studies* (3rd ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2004b). *The relation between religion and the world* (3rd ed.). Qom: Esra. [in Persian]

- Javadi Amoli, A. (2005 a). *The true life of human beings in the Quran* (Vol. 15; 2nd ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2005 b). *Interpretation of man by man*. Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2006). *The message of guidance* (Vol. 2). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2007 a). *Philosophy of human rights* (5th ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2007 b). *Sharia in the mirror of knowledge* (5th ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2007 c). *The position of reason in the geometry of religious knowledge*. Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2007 d). *Tafsir Tasnim* (Vol. 7). Qom: Esra Publication. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008 a). *The affection of the master* (4th ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008 b). *Humanity's expectation from religion* (5th ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008 c). *Imam Mahdi (aj): The promised existent* (3rd ed.). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2009 a). *The etiquette of annihilation of the intimate ones* (Vol. 6). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2009 b). *Breeze of thought* (Vol. 3). Qom: Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2010). *Guardianship of the jurist: Guardianship of jurisprudence and justice*. Qom: Esra Publication. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2011). *Tafsir Tasnim* (Vol. 15). Qom: Esra Publication. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2012). *Mafatih al-hayat*. Qom: International Foundation of Quranic Sciences Esra. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2013). *Society in the Quran* (Vol. 17; 5th ed.). Qom: Esra Publication. [in Persian]
- Lakzaei, N. (2014). Transcendent politics in Javadi Amoli's thought. In *Political thoughts in contemporary Islam* (pp. 215–240). Qom: Institute for Islamic Culture and Thought. [in Persian]
- Mendras, H., & Gurvitch, G. (1969). *Foundations of sociology along with a short history of sociology* (B. Parham, Trans.). Tehran: Simorgh Books. [in Persian]
- Mojtaba Zadeh, A. (2020). *The political thought of Ayatollah Javadi Amoli based on crisis theory* [Master's thesis, Baqir al-Olum University]. Qom. [in Persian]
- Research Group of Contemporary Fiqh. (n.d.). Partisanship and party governance (study resources). Contemporary Fiqh Encyclopedia. <https://ency.feqhemoaser.com/fa/view/> [in Persian]

- Sajjadi, A. Q. (2003). *Foundations of partisanship in Islamic political thought*. Qom: Bustan-e Ketab. [in Persian]
- Soroush, A. (1992). *The theoretical contraction and expansion of Sharia* (2nd ed.). Tehran: Serat. [in Persian]
- Yousefi, J., Talebi Darabi, B., & Bigdeli, A. (2024). *Partisanship and spiritual capital in post-revolutionary Iran*. *Transcendental politics*, Volume 12, No. 45, 132-150. [in Persian]
- Beheshti, S. M. (2013). *Truth and falsehood*. Tehran: Bogheh Publishing. [in Persian]
- Cohen, B. (1993). *Foundations of sociology* (G. A. Tavassoli & R. Fazel, Trans. & Adapt.). Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT). [in Persian]
- Hemmati, Z., Masoudnia, H., & Darvishi Seh Talani, F. (2023). "Application of the layered causal analysis method in analyzing the dysfunction of political parties in Iran (1906–2021)." *Transcendent Politics*, 11(1), 141–162. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.528931.1693> [in Persian]
- Ibn Faris, A. (n.d.). *Mu'jam maqayis al-lughah* (Vol. 2, p. 55) (A. M. Harun, Ed.). [in Persian]
- IRNA. (1999). "Report of the statements of Ayatollah Mesbah Yazdi on the political philosophy of Islam and party politics." Retrieved from <https://www.irna.ir/> [in Persian]
- Khabar Online. (2009). "Report of the interview and statements of Ayatollah Mesbah Yazdi on the subject of party politics and power-seeking." Retrieved from <https://www.khabaronline.ir/> [in Persian]
- Masoudnia, H. (2003). "An introduction to the challenges of party politics and its consequences in Iran." *Scientific Quarterly of Strategy*, 29(3), 138–150. [in Persian]
- Mendras, H., & Gurvitch, G. (1969). *Foundations of sociology along with a brief history of sociology* (B. Parham, Trans.). Tehran: Simorgh Books. [in Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2017). "Statements on the party model and criticism of Western party politics." Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Persian]
- Mohajernia, M. (2020). *An introduction to the jurisprudence of party politics in the Islamic system*. Qom: Tolou Mehr Non-Governmental Non-Profit Higher Education Institute. [in Persian]
- Mousavi Moqaddam, R. (2006). "Social freedoms from the perspective of Martyr Beheshti." *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 2(4 & 5), 171–187. [in Persian]
- Mustafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Qur'an al-karim* (Vol. 2, pp. 222–223). Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab. [in Persian]

- Raja News. (2009, September 5). "Full text of Ayatollah Mesbah's statements: The necessity of research on the relational model."
<https://www.rajanews.com/news/20354> [in Persian]
- Raja News. (2009, September 5). "Full text of Ayatollah Mesbah's statements: The necessity of research on the relational model."
<https://www.rajanews.com/news/20354> [in Persian]
- Salimi Qamsari, M. (2007). "Cultural barriers to party politics in Iran (the first period of party politics)." *Social Sciences Quarterly*, 14(37), 39–71.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2007.5329> [in Persian]
- Sardarnia, K. A. (2014). "A sociological analysis of the non-institutionalization and failure of party politics in Iran from the Constitutional Revolution to the present." *Historical Research*, 6(4), 43–56. [in Persian]
- Skinner, Q.(1969). *Meaning and Understanding in the History of Ideas*. History and Theory, 8(1), 3–53.
- Tahan Nazif, H., & Darivand, M. S. (2023). "An analysis of the position of the party and the freedom of party politics in the Islamic system with emphasis on the thought of Martyr Beheshti." *Islamic Government*, 28(4), 143–172. [in Persian]